

تصحیح و پوزش

● در مصاحبه‌ای که با جناب آقای قاسم محبعلی، مدیرکل سابق خاورمیانه وزارت خارجه، در روز یکشنبه ۱۸ مهر منتشر شده بود، آمده است که سوریه در جنگ «به گزارش سازمان ملل بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار خسارت دیده است». این عدد در نتیجه اشتباه در تنظیم مصاحبه چنین نقل شده است و آماری که آقای محبعلی در این گفت‌وگو ارائه داده بود، ۳۵۰ میلیارد دلار بود که به این وسیله اصلاح و از ایشان و خوانندگان محترم روزنامه عذرخواهی می‌شود.

امیرعبداللهیان

دریدار بار رئیس مجلس سونیس:

جمع‌بندی دولت درباره مذاکرات در آینده نزدیک نهایی می‌شود

● **ایرنا:** وزیر امور خارجه از نهایی‌شدن جمع‌بندی‌های دولت در زمینه مذاکرات هسته‌ای در آینده نزدیک خبر داد. آندریاس ایپ، رئیس مجلس ملی سونیس، روز سه‌شنبه با حضور در وزارت امور خارجه با وزیر امور خارجه ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. امیرعبداللهیان در این دیدار با تشریح دیدگاه دولت سیزدهم درخصوص ازسرگیری گفت‌وگوهای وین، از نهایی‌شدن جمع‌بندی‌های دولت در این زمینه در آینده نزدیک خبر داد و افزود: «در گفت‌وگوهای آتی اقدامات ما متناسب با میزان عمل و اقدامات طرف‌های مقابل خواهد بود».

الجزیره خبر داد

انریکه مورا به تهران می‌آید

● **ایسنا:** شبکه الجزیره اعلام کرد که انریکه مورا، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به منظور ارتباط با دولت جدید ایران این هفته به تهران سفر خواهد کرد. همچنین یک مسئول عالی‌رتبه اروپایی به این شبکه قطری گفته است که موعد مشخصی برای ازسرگیری مذاکرات وین درباره توافق هسته‌ای با ایران هنوز در نظر گرفته نشده است و دولت جدید ایران در حال ارزیابی مسیر مذاکرات است. او همچنین خاطرنشان کرد که تهران به طور علنی برای بازگشت به مذاکرات وین اعلام آمادگی کرده است؛ اما سقف زمانی مشخصی تعیین نکرده است.

جمهوری آذربایجان وجود نیروهای خارجی در خاک خود را تکذیب کرد

● **ایسنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان در واکنش به اظهارات مقامات ایران مبنی بر تحرکات اسرائیل در بخشی از خاک این کشور، باری دیگر با مطرح‌کردن ادعاهایی علیه ایران، این موضوع را انکار کرد. به گزارش روزنامه نیی شفق، لیل‌عبدالله‌اوا، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان، در بیانیه‌ای مطرح کرد: «توصیه ما به کسانی که دنبال تروریست‌ها هستند، این است که نگاه دقیقی به اطراف خودشان بیندازند». عبدالله اوا گفت: «متأسفانه وزارت امور خارجه ایران دست از کارزار توهین علیه آذربایجان برنمی‌دارد. ما چنین اتهاماتی را مطلقاً رد می‌کنیم». او ادامه داد: «ما این موضوع را در جنگ ۴۴روزه نیز گفته بودیم و باری دیگر بر آن تاکید می‌کنیم که هیچ تروریستی در آذربایجان نیست. به طور کلی، به‌عنوان کشوری که از تروریسم رنج برده است، تروریست‌ها هیچ‌گاه جایی در آذربایجان نداشته‌اند». عبدالله اوا در ادامه گفت: «جای تعجب دارد که طی جنگ چنین اتهاماتی از سوی ایران مطرح نشده بود و چنین اتهاماتی تا زمانی که دولت جدید [ایران] پس از جنگ [قره‌باغ] روی کار نیامده بود، مطرح نشده بود».

فاکتور بلوک سلندر خودرو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۴ به شماره موتور 10fss15055979 و شماره شاسی ۱۹۸۱۵۳۵۴ و شماره انتظامی ۴۱ ط ۱۳۷ ایران ۶۶ به نام حسن عبدالهی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط است . از یابنده خواهشمند است به آدرس پستی ۱۶۴۸۶۷۶۴۳/ا رسال نماید.

پروانه طبابت به شماره ۵۸۱۲۲۴۴۲۲۷ مورخه ۱۶/۰۴/۱۴۰۰ بنام دکتر جعفر رستمیان به شماره نظام پزشکی ۴۲۲۷۰ مربوط به شهر تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی تشکیل نخستین مجمع عمومی مالکان مجتمع مسکونی آبنار جدیدپسلبه اطلاع و آگاهی مالکین محترم مجتمع مسکونی آبنارواقع در تهران از درس اتوبان خرازی بلوار نهاوند جنب رزمال می رساند .بر اساس ماده ۸ قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳ و ماده ۵الی ۸ این نامه اجرایی قانون تملک آپارتمان ها ،مالکین با نمایندگان آنها در ساعت ۱۰ صبح روز جمعه مورخ ۰۷/۰۸/۱۴۰۰ در محل لابی بلوک ۴۲ جهت تشکیل مجمع عمومی با هدف انتخاب مدیران از بین خود حضور بهم رسانند .از مالکین محترم ساختمان خواهشمند است به منظور اداره امور ساختمان و اجرای قوانین و مقررات در مجمع فوق شرکت نمایند . باسپاس فراوان تعدادی از مالکان مجتمع مسکونی آبنار

۴ در حدود ۱۶ سالی که خانم مرکل

صدراعظم آلمان بود، **اقتصاد این کشور تحولات گسترده‌ای** یافت. در این ۱۶ سال، در تجارت بین ایران و آلمان چه تفاوت‌هایی رخ داد؟ سهم دو کشور در مبادلات‌شان چقدر بود؟ مردم آلمان ۱۶ سالی را که خانم مرکل به‌عنوان صدراعظم آلمان حکمرانی می‌کرد، دوره توسعه، رشد و آرامش آلمان می‌دانند. جایگاه آلمان در میان سایر کشورها با توجه به تجربیات تلخ جنگ‌های اول و دوم جهانی، ارتقا پیدا کرد. در مجموع سهم ما در تجارت آلمان ناچیز است؛ چون آلمان بیش از هزار میلیارد دلار تجارت با جهان دارد و ما سهم ناچیزی داریم. به‌عنوان مثال فقط صادرات قطعات خودرویی آلمان به سایر کشورها سالانه حدود ۴۰۰ میلیارد دلار است؛ اما برعکس سهم آلمان در تجارت ایران

نسبتاً رقم بالایی است و آلمان همواره عنوان اولین شریک تجاری ایران در میان کشورهای اروپایی را دارد. حتی در کمترین زمان که حدود دو میلیارد دلار بوده؛ بنابراین در مقام مقایسه، آلمان در خاورمیانه همواره به دنبال افزایش و گسترش روابط با ایران بوده و این موضوع را من از زبان برخی مدیران شرکت‌های بزرگ به صراحت شنیده‌ام که در میان کشورهای خاورمیانه نگاه مثبتی در توسعه روابط اقتصادی با ایران دارند. نقش آلمان در تجارت ایران تقریباً در میان کشورهای اروپایی اول و در جهان بعد از چین و در مقطعی بعد از ژاپن و امارات قرار دارد؛ اما وقتی آلمان‌ها و شرکت‌های آلمانی مجبور می‌شوند بین تجارت با ایران یا آمریکا انتخاب کنند، موقعیت را از دست می‌دهیم. کف روابط تجاری ایران و آلمان حدود دو میلیارد است که نسبت به تجارب بنده قابل افزایش تا هشت میلیارد هست؛ به شرطی که وضعیت تحریم تغییر کند.

۴ دوره صادرات خانم مرکل با دو دولت محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی در ایران هم‌زمان بود. هر دو دولت به نوعی با بحران بر سر پرورنده هسته‌ای مواجه بودند. چقدر این مسئله در سهم کم ارتباط اقتصادی ایران و آلمان تأثیرگذار بود؟

در هر دو دولت احمدی‌نژاد و روحانی سطح روابط تجاری ایران و آلمان کاهش پیدا کرد و علت آن هم پرورنده هسته‌ای بود. من در سال ۹۳ به‌عنوان سفیر ایران در آلمان منصوب شدم. در سال ۹۲ حجم روابط تجاری ایران و آلمان در کف آن قرار داشت و چیزی حدود ۲.۱ میلیارد دلار بود. در سال ۹۴ افزایش پیدا کرد. در سال ۹۵ یعنی بعد از برجام، به بالای سه میلیارد دلار رسید؛ اما مجدداً با خروج آمریکا از برجام، این رقم افت پیدا کرد. قطعاً تحریم‌ها و خروج آمریکا از برجام در توسعه رابطه ما و آلمان بسیار مؤثر بوده و اگر بخواهیم گوناگونی تجارت با جهان داشته باشیم، آلمان کشوری است که می‌تواند سهم گسترده‌ای در ابعاد مختلف با ایران داشته باشد و آنها آماده سرمایه‌گذاری هستند. اشاره می‌کنم به پروژه پتروشیمی که BASF با پتروشیمی خلیج فارس داشت، رقمی حدود شش میلیارد دلار بود که ۶۰ درصد این پروژه متعلق به BASF بود و ۴۰ درصد آن متعلق به پتروشیمی خلیج فارس.

۴ تجربه مذاکرات هسته‌ای در ارتباط ایران و آلمان چه تفاوتی ایجاد کرد؟ یک سوی میز مذاکرات ترونیکای اروپایی بودنی؛ درحالی‌که فرانسه در مذاکرات نقش منفی بارزی ایفا می‌کرد و انگلیس بیشتر مطابق میل آمریکا رفتار می‌کرد، آلمان چه نقشی برعهده گرفته بود؟ آقای اشتاین مایر که مذاکره‌کننده آلمان بود، در سال‌های اخیر به ریاست‌جمهوری

آلمان رسید. با توجه به ساختار قدرت در آلمان که رئیس‌جمهور نقش چندان پررنگی ندارد، او توانست نقشی در ارتباط با ایران ایفا کند؟

انگلیسی‌ها و سعی می‌کرد از این رابطه تنگناکنی که با آمریکا دارد، استفاده کند و آمریکایی‌ها را متقاعد کند تا تعدیلی در تصمیماتشان اتخاذ کنند. اگر به روابط فرآتلاتنتیکی بین مجموعه کشورهای اروپایی و آمریکا دقت کنید، رابطه تنگناکنی بین آلمان و آمریکا وجود دارد؛ گرچه این روابط در دوره ترامپ بسیار تیره شده بود، علتش هم روابط سرد و گاهی اوقات گستاخانه و بی‌ادبی آقای ترامپ بود که خانم مرکل واقعاً رنجیده بود ولی به‌عنوان یک سیاست‌مدار کمتر از خودش واکنش نشان می‌داد. بله درست است رئیس‌جمهور در آلمان نقش اجرایی ندارد و بیشتر نقش تشریفاتی داشته و در برخی زمان‌ها نقش هماهنگی بین احزاب را دارد، البته اگر احزاب نتوانند به ائتلافی برسند، معمولاً رئیس‌جمهور در این موارد سعی می‌کند نقش واسطه را ایفا کند.

۴ بعد از برجام، چندین هیئت اقتصادی و تجاری از آلمان به ایران آمد. اولین هیئت چندروز بعد از دستیابی به برجام، به ریاست آقای زیگمار گابریل، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور آلمان به تهران آمد که نشان از رتبه بالای هیئت تجاری ایران در سفرها و ارتباط‌ها به قراردادهای مشخصی منجر نشد؛ چرا؟ چه عامل بازدارنده‌ای در رابطه ایران و آلمان بود؟

بله، وقتی برجام به دست آمد، اولین مقامی که از کشورهای اروپایی همراه با یک هیئت به ایران آمد، آقای زیگمار گابریل، معاون خانم مرکل و وزیر اقتصاد آلمان بود و بعد از آن هیئت‌های بسیار زیادی از ایالت‌های مختلف آلمان از ایران دیدار کردند. تقریباً می‌توانم بگویم شاید از هر ۱۶ ایالت به صورت تکی یا به صورت دو، سه ایالت از ایران بازدید کردند.

شرکت‌هایی که سابقه بسیار گسترده‌ای با ایران داشتند، شروع به کارکردن کردند. زمنس یک کار محتوایی گسترده با مینا داشت و در همان یک سال توانستیم به نیروگاه‌های جدید ایران انتقال تکنولوژی داشته باشیم. تعداد کارکنان زمینس در ایران از ۱۲۰ نفر به ۲۵۰ نفر رسید و بیش از دو برابر شد. شرکت بوش که تولیدکننده اصلی قطعات خودرو در اروپا است، دفترش را در ایران باز کرد. اگرچه ما بیشتر بوش را به‌عنوان تولیدکننده لوازم خانگی می‌شناسیم، اما تولید لوازم خانگی فقط هفت درصد کل تولیدش است و ۹۳ درصد تولیداتش مربوط به قطعات خودرو است؛ به‌طوری‌که هیچ خودرویی در اروپا نیست که از قطعا بوش استفاده نکند. متأسفانه با دعهی آمریکا، ترامپ وقتی از برجام خارج شد، تمام این حرکت‌ها متوقف شد. در همان زمان دو پروژه بالادستی نفت و یک پروژه بسیار بزرگ پتروشیمی با BASF داشتیم که همه اینها نیمه‌کاره ماند. شخصاً باور دارم اگر به برجام برگردیم، با یک سفیر توانا امکان اینکه بتوان دوباره اینها را احیا کرد، وجود دارد.

مذاکرات اولیه برای قراردادهای بسیاری انجام

دیپلماسی

نگاهی به رابطه ایران و آلمان در گفت‌وگو با علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در آلمان:

چرا مرکل میزبان روحانی نشد

چرا روحانی به برلین رفت از؟ مسائل تشریفاتی تا مسائل سیاسی



علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در آلمان

زینب اسماعیلی:سیوری

درحالی‌که قدرت در آلمان در حال جابه‌جایی است، این تأمل می‌تواند مفید باشد که در ۱۶ سال صدراعظمی آنگلا مرکل ایران کجای معادله تجاری با این کشور قرار داشت. بدون شک صحبت از ارتباط بین ایران و یک کشور اروپایی متأثر از برجام و بعد از آن، خروج آمریکا از برجام است. علی ماجدی، سفیر ایران در آلمان که از سال ۹۳ به مدت پنج سال سفیر ایران در آلمان بود، در این گفت‌وگو برای «شرق» روایت کرد که رابطه تهران– برلین چه روندی را طی کرده است. از آنجا که ماجدی در کنار کار دیپلماتیک تجربه اقتصادی کلانی هم دارد، در برلین توانسته بود در روابط اقتصادی ایران و آلمان تحولات زیادی ایجاد کند که البته همه رشته‌ها با خروج ترامپ از برجام، پنبه شد.

ماجدی در این گفت‌وگو از انجام‌نشدن سفر حسن روحانی به برلین سخن می‌گوید و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری متعددی که بعد از برجام به دست آمد، اما با تعلل داخلی از دست رفت؛ هرچه به دست آمده بود هم با خروج ترامپ از برجام از دست رفت.

شد که می‌توانم به برخی از آنها اشاره کنم. در همان زمان شش بانک با ریاست بانک دولتی KfW که بانک دولتی آلمان است، با پنج بانک دیگر به‌صورت سندیکایی، سه‌میلیارد و ۵۲ میلیون یورو برای فاینانس پروژه‌ها به ایران اعلام کردند و من اسنادش را در اختیار دکتر ظریف قرار داده و برای بانک مرکزی فرستادم و مذاکراتی تحت نظر بانک اصلی شروع شد که یک بانک دولتی بود. متأسفانه مذاکراتی که بین بانک‌های آلمانی و بانک مرکزی انجام شد، بسیار طولانی شد و آن سه‌میلیارد و ۵۲ میلیون ریال که قرار بود به ایران فاینانس شود از دست رفت. قرار بود رئیس آن بانک به همراه آقای کیزر، مدیرعامل زمینس، به تهران بیایند و حداکثر در آبان سال ۹۴ قرارداد امضا شود، اما جای گله در این زمینه از بانک مرکزی خودمان وجود دارد و من همان زمان هم گفتم که بانک مرکزی تلاش لازم را انجام نمی‌دهد و حتی یکی از مقامات بانک مرکزی را مورد سرزنش قرار دادم و بعدها شنیدم آقای روحانی و دکتر ظریف هم از این مسئله ناراحت بودند و معطل‌کردن بدون دلیل این قضیه یک عامل بازدارنده شد که ما نتوانیم تا آخر دوره اوباما از این مبلغ استفاده کنیم. یکی دیگر از معضلاتی

که در این زمینه وجود داشت، موضوع اسنبک بود. اینها نکته‌هایی است که باید پخش شود. موضوع اسنبک به‌صورت بسیار زیبا از چک‌کاوانه از سوی آقای ظریف و هیئت مذاکره‌کننده ایران حل شد و آلمان‌ها هم متوجه شدند، اما متأسفانه در ایران بهای لازم داده نشد و مذاکرات طولانی شد و نه آقای کیزر به‌عنوان مدیرعامل زمینس به ایران آمد و نه به مبلغ سه‌میلیارد و ۵۲ میلیون یورو دست یافتیم. این ضرر کم‌توجهی و بی‌توجهی سیستم بانکی ما بود که این فرصت را از دست دادیم. دو پروژه نفتی بالادستی بود که تمام مذاکراتش بعدها هم ادامه پیدا کرد؛ زمانی که هنوز آمریکا از برجام خارج نشده بود.

مذاکرات تقریباً قطعی شده بود و باید امضا می‌شد که آمریکا از برجام خارج شد و دو پروژه بالادستی نفت متوقف ماند و پروژه‌ای که بزرگ‌ترین شرکت زمینییایی دنیا BASF با ایران بسته بود هم عملاً با خلیج فارس متوقف ماند. ولی رابطه تجاری زمینس با شرکت مینا کم‌وبیش ادامه داشته اما الان هم سطحش خیلی پایین آمده ولی زمینس کار خیلی گسترده‌ای را با ایران انجام داد. زمینس هرآنچه در روسیه انجام داد، عیناً در ایران انجام داد. من نوعی غرور در شرکت مینا می‌دیدم که کمی در تصمیماتی زمینس خلل ایجاد کرد ولی به‌هرحال علاقه داشتند که با مینا ادامه همکاری دهند. مینا کمی از موضع بالا همکاری می‌کرد. شکی نیست که مینا شرکت مهمی در ایران است اما به‌هرحال این تکنولوژی از شرکت زمینس می‌آمد که همه اینها بعد از برجام تعطیل شد. به همین دلیل وقتی می‌گویم زمینه کار با آلمان‌ها بالاس، به این دلیل است که مدیرعامل

زمینس اعلام کرده دنبال توسعه رابطه با ایران است؛ به‌عنوان کشوری که از نظر نیروی انسانی توان خوبی دارد و نیروی متخصص خوبی دارد اما باید شرایط سیاسی‌اش فراهم شود. امیدوارم به برجام برگردیم و با اعزام یک سفیر قوی بتوانیم دوباره این رابطه را احیا کنیم.

۴ در دوره‌ای که شما سفیر بودید، حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور سفرهای اروپایی داشت اما هیچ‌گاه برلین مقصد این سفرها نشد. همان‌طور‌که خانم مرکل هیچ‌گاه به ایران سفر نکرد و موضوع‌گیری چندانی هم درباره ایران نداشت. علتش چه بود؟ چرا خانم مرکل با ایران بی‌میل بود؟

اگر شما به رفت‌وآمدهای مقامات ایران به اروپا دقت کنید، در دوره اصلاحات، آقای خاتمی به هر سه

کشور فرانسه، ایتالیا و آلمان سفر داشت؛ علاوه‌بر آن به ژاپن هم سفر کرد. اما هیچ‌کدام از رؤسای این سه کشور به ایران سفر نکردند. در دولت آقای روحانی او سفری به فرانسه و ایتالیا داشت. ما هم در برلین برنامه‌ریزی‌هایی برای سفر آقای روحانی داشتیم. اما چندین بار برنامه‌ریزی این سفر برای موارد تشریفاتی عملاً عقیم ماند.

اما باوجود این اتفاقات آقای اشتاین مایر، وزیر خارجه آلمان تمایل داشت که این سفر انجام شود. حتی من در میهمانی شخصی پیشنهاد این سفر را به خانم مرکل مطرح کردم. پاسخ او این بود که برای انجام این سفر با مشاور سیاسی‌اش صحبت کنم. مشاور سیاسی خانم مرکل، آلان نماینده آلمان در سازمان ملل است و مواضع نزدیکی با آمریکا داشت. او موافق این سفر نبود. وقتی آقای اشتاین مایر از من پرسید که خاتم مرکل چه پاسخی داده و من گفتم که موضوع را به مشاور سیاسی‌اش ارجاع داده، آقای اشتاین مایر سرش را به شکلی تکان داد که یعنی چنین سفری نشدنی است. چون او رابطه خوبی با ایران ندارد.

۴ درواقع با توجه به ارجاع موضوع به آن مشاور که رابطه خوبی با ایران نداشت، به نظر می‌رسد خود خانم مرکل هم علاقه‌مند نبود؟

خانم مرکل می‌توانست نظر او را وتو کند اما به نحوی مسئولیت این تصمیم را به گردن مشاورش می‌انداخت. چندین جلسه با او برای انجام سفر آقای روحانی به برلین داشتیم. مثلاً او می‌گفت شما برای مسائل تشریفاتی به ما گیر می‌دهید که مثلاً حتما نهار باشد یا فلان موضوع نباشد و ...

۴ یعنی مهم‌ترین مسئله، موضوعات تشریفاتی بود؟
در ظاهر به نظر می‌رسید مسائل تشریفاتی مانع بود اما در واقعیت این فرد بود که مانع‌تراشی می‌کرد، حالا با اشاره خانم مرکل بهود یا میل خودش. حتی چندین بار این سفر برنامه‌ریزی شد اما در اجرا با مشکلاتی مواجه شد و عملیاتی نشد. آخرین پیشنهاد هم این بود که آقای روحانی برای شرکت در کنفرانس مونخ به آلمان بیاید و در برلین ملاقاتی با خانم مرکل داشته باشد اما این هم صورت نگرفت. در مجموع سوسپال‌دموکرات‌ها کمتر به آمریکا وابسته و کمتر اطاعت‌پذیر هستند اما خانم مرکل بیشتر پذیرای سیاست‌های آمریکا بود. مثلاً بعد از خروج آمریکا از برجام دیگر ارتباط با ایران از سوی آلمان‌ها نباشد.

آقای اولاف شولتس هم که الان اکثریت را به دست آورده، یعنی دست برتر با سوسپال‌دموکرات‌هاست و شاید بتوان رابطه ایران و آلمان را نزدیک‌تر کرد اما شرطش احیای برجام و پیوستن به اف‌ای‌اِف است.

۴ برخی رهبران اروپایی علاوه‌بر گرایش به آمریکا، ارتباطات نزدیکی هم با تل‌آویو دارند. خانم مرکل آخرین سفر کاری‌اش را به اسرائیل انجام داد. آیا او نیز تحت تأثیر تلاش‌های لابی اسرائیلی در مواجهه با ایران بود؟

همان‌طور‌که اشاره کرده‌ام، نفوذ اسرائیل در آلمان بالاست و قطعاً یکی از مشکلات توسعه روابط ایران و آلمان بدون شک اسرائیل است. به این علت که آلمان‌ها به نحوی خودشان را به‌هکار به تل‌آویو می‌دانند، به دلیل مسائلی که در جنگ جهانی دوم و مسئله هولوکاست رخ داده و اسرائیلی‌ها هم از این قضیه کاملاً سواستفاده می‌کنند. اولین سفر هیئت آلمانی به ایران توسط آقای گابریل انجام شد که بعد هم وزیر خارجه آلمان شد و یکی، دو دیدار بسیار خوب هم با دکتر ظریف داشت اما عملاً گابریل که رهبر حزب بود، از قدرت کنار گذاشته شد. بسیاری از کسانی که در عالم سیاست با آنها آشنایی داشتیم و برخی از نمایندگان مجلس هم برکناری یا کنارگذاشته‌شدن تدریجی آقای گابریل از حزب را که فردی بسیار توانمندی بود، ناشی از نفوذ اسرائیلی‌ها می‌دانند و چون با ایران کار می‌کرد و طرفدار حقوق فلسطینی‌ها هم نبود، از رهبری حزب کنار گذاشته شد؛ درحالی‌که همه می‌دانستند گابریل فرد شایسته‌ای برای آلمان است و می‌تواند صدراعظم این دولت باشد.

امنیت غذایی

در گرو حفظ تنوع زیستی

کنوناسیون تنوع زیستی معتقد است که کشورهای عضو برای شناخت بیشتر و ارزش‌گذاری بهتر تنوع زیستی باید اقدامات بیشتر و اصولی‌تری انجام دهند. کمیسیون منابع ژنتیکی مواد غذایی و کشاورزی FAO تنها نهاد بین‌دولتی دائمی است که به طور خاص به موضوع تنوع بیولوژیکی مواد غذایی و کشاورزی می‌پردازد. این یک بستر گفت‌وگو و مذاکره را برای اعضای خود (۱۷۸ کشور و اتحادیه اروپا) فراهم می‌کند تا بتوانند از منابع ژنتیکی برای تأمین غذا و تولیدات کشاورزی به طور پایدار استفاده و آنها را بهتر حفاظت کرده و منافع حاصل از آن را به طور عادلانه تقسیم کنند. کمیسیون تاکنون دستورالعمل‌ها و سیاست‌های فنی، مانند برنامه‌های اقدام جهانی درمورد منابع ژنتیکی گیاهی، حیوانی و جنگلی را که به کشورها کمک می‌کند تا سیاست‌های خود را بهتر تنظیم کنند، تصویب کرده است. علاوه بر تدوین برنامه اقدام جهانی درمورد منابع ژنتیکی آبزیان، کمیسیون درحال حاضر در حال تدوین سیاست‌های جهانی درمورد تنوع زیستی برای مواد غذایی و کشاورزی (FAO، ۲۰۱۹) است و امید می‌رود در نشست جاری COP۲۰۲۰ تعهدات جدی در تحول سیستم غذا و تولیدات کشاورزی از سوی کشورهای عضو داده شود تا بتوان با تحول در سیستم شاهد کاهش روند تخریب تنوع زیستی باشیم.

هرچند عضویت و اقدام در چارچوب این کنوانسیون داوطلبانه است؛ اما تدوین چارچوب اقدام و چنین برنامه‌های عملی تأثیر مفیدی در سطح ملی دارد. اولاً مدل عملی درمورد منابع جهانی و با تجارب همه کشورها تهیه خواهد شد. ثانیاً رقابت و تعامل کشورهای عضو باعث یادگیری فصال و تعامل بین کشورهای عضو می‌شود. به‌عنوان مثال، بیش از ۴۰ درصد از گزارش‌های کشوری نشان می‌دهد که کشورها در حال آماده‌سازی استراتژی ملی و برنامه اقدام برای منابع ژنتیکی دام را به پایان رسانده‌اند و ۲۰ درصد دیگر کشورها نیز در حال تهیه چنین استراتژی‌ها و برنامه‌هایی هستند. با وجود همه پیشرفت‌های انجام‌شده، مدیریت پایدار منابع ژنتیکی نیاز به بهبود کیفی بیشتری دارد. نیاز به تقویت همکاری بین سیاست‌گذاران، سازمان‌های تولیدکننده، مصرف‌کنندگان، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی در بخش‌های غذا و کشاورزی و محیط زیست یک امر ضروری است. این موضوع بیش‌ازپیش مشخص شده است که نیاز به شناخت و ارزیابی عمیق‌تری از نقش و تأثیر تنوع زیستی برای غذا و کشاورزی ضروری است. زیرا این امر امنیت غذایی، معیشت، سلامت و محیط زیست را ارتقا می‌دهد. این امر بدیهی است که اگر بخواهیم گرسنگی را ریشه‌کن و به اهداف توسعه پایدار برسیم، کشورها باید اقدامات قاطع‌تری را برای حفاظت و استفاده پایدار از آن انجام دهند.

✦ **نماینده دائم و سفیر سابق ایران در فائو (فهرست منابع در دفتر روزنامه موجود است)**

ادامه از صفحه اول

«حمایت از تولید داخلی» چگونه؟

دولت هزینه‌های گرانی ازجمله اجبار بانک‌ها به اعطای تسهیلات کلان انجام می‌دهد تا از شغل‌های فعلی حمایت کند که دراین‌صورت اگر هم موفقیتی ایجاد شود، کوتاه‌مدت است و هم بانک‌ها و هم بنگاه‌ها با مشکلات تشدید می‌مواجه می‌شوند. دراین‌میان بسیاری از بنگاه‌ها وابستگی شدید به حمایت‌های روزافزون دولتی پیدا کرده‌اند. در چنین وضعیتی، دولت مدام تسکین‌هایی ایجاد می‌کند که بهبود فضای کسب‌وکار، فراهم‌کردن فضایی برای ابتکارات بنگاه‌های کوچک و متوسط و رفع موانع در اقتصاد به فراموشی سپرده می‌شود. دراین‌میان واردات بی‌رویه به‌ویژه درخصوص کالاهای استراتژیک هم خطای بزرگی است که بی‌شک هیچ کشوری تن به آن نمی‌دهد. بسیاری از کشورها اجازه ورود محصولات کشاورزی را که در داخل کشور تولید آن ممکن است، نمی‌دهند یا تعرفه زیادی برای وارداتش وضع می‌کنند؛ اما درمورد سایر کالاهای چنین نگاهی حاکم نیست. دراین‌میان پیشنهاد می‌شود راهبردهای زیر برای حمایت از تولید داخلی به کار گرفته شود که کارآمد و مؤثرتر از روش‌های فعلی است: بهبود فضای کسب‌وکار، ثبات اقتصان کلان، حمایت از تحقیق و توسعه، تقویت سرمایه انسانی و مهارت‌افزایی افراد، مشاوره‌های مدیریتی برای کارفرمایان، کمک به بازاریابی منطقه‌ای و بین‌المللی و اصلاح نظام مالیاتی. با تغییر راهبرد حمایتی به طور طبیعی بنگاه‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت با مشکلاتی مواجه خواهند شد؛ اما با دریش‌گرفتن راهبردهای جدید به‌تدریج بنگاه‌ها با ارتقای فناوری و نوآوری بهره‌وری را بیشتر و کیفیت را بهتر خواهند کرد که به دنبال آن هم رضایت مشتری به وجود خواهد آمد و هم امکان صادرات فراهم می‌شود.